امتیاز

یک‌شنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۶
۱۷ شعبان ۱۴۳۸ ● ۱۴ می ۲۰۱۷
شماره ۲۲۰۲ ● ۱۲ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسوول: غلامحسین شعبانی
دبیر تحریریه: هومن جعفری
نشانی: میدان انقلاب - خیابان جمالزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۶۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۶۷۷۶۴ - آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لیتوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

اخبار

خواننده افغانستانی آلبوم پاپ منتشر می‌کند

یک تهیه کننده موسیقی از انتشار آلبومی در سبک موسیقی پاپ به خوانندگی عارف جعفری خواننده اهل کشور افغانستان با عنوان «تا آن سوی سمرقند» خبر داد.

مرتضی دلیری تهیه‌کننده موسیقی با اشاره به تازه ترین فعالیت های خود بیان کرد: طبق برنامه ریزی هایی که از ماه ها قبل انجام گرفته به زودی برای اولین بار در ایران یک آلبوم موسیقی در سبک پاپ به خوانندگی یک خواننده افغانستانی به نام عارف جعفری منتشر خواهد شد. این آلبوم که با عنوان «تا آن سوی سمرقند» در دسترس دوستداران موسیقی قرار می گیرد محتوای بسیار متفاوتی دارد که اشعار آن توسط سعید بیابانکی و تعدادی از شاعران افغانستانی سروده شده است.

وی ادامه داد: آنچه برای ما مهم است انتشار یک آلبوم بین المللی در حوزه زبان و ادبیات پارسی است. به عبارتی ملیت افغانستانی عارف جعفری به عنوان خواننده اثر در این منظر برای ما از اهمیت برخوردار است که او شکل دیگری از زبان فارسی را به مخاطب ارائه خواهد داد. همچنین موضوع مهاجرت که طی سال های اخیر به شدت مورد توجه جهانیان قرار گرفته می تواند دلیل دیگری برای انتخاب این آلبوم باشد. البته ما صرفا به دنبال ایجاد یک فضای موسیقایی به شیوه پاپ نبودیم بلکه کوشش شده که در این اثر سازهای مرتبط با کشور افغانستان نیز برای مخاطبان معرفی شود.

دلیری در معرفی خواننده آلبوم «تا آن سوی سمرقند» توضیح داد: عارف جعفری خواننده گمنامی برای علاقه مندان موسیقی نیست، او چندی پیش هم برای اولین بار در برنامه خندوانه به اجرای برنامه پرداخت که خوشبختانه همین اجرا نیز با استقبال خوب مخاطبان مواجه شد و امیدواریم حال که شاهد رونمایی از اولین آلبوم رسمی او در ایران هستیم مخاطبان شاهد انتشار اثری متفاوت در بازار موسیقی پاپ باشند. این آلبوم به صاحب امتیازی موسسه «نغمه هفت اقلیم» و حمایت نشر «دیبایه» در بازار موسیقی منتشر می شود.

این تهیه کننده در پایان صحبت های خود گفت: طبق برنامه ریزی های انجام گرفته مراسم رونمایی این آلبوم بعد از ایام انتخابات ریاست جمهوری ابتدا در حوزه هنری و سپس در شهر کتاب «ابن سینا» و فروشگاه «فرهنگان» میدان رازی برگزار خواهد شد. ما برنامه ریزی هایی هم برای برگزاری کنسرت آلبوم داریم که به زودی جزییات آن اعلام می شود. البته ما تصمیم داریم در مراسم رونمایی فروشگاه «فرهنگان» از تعدادی از عزیزان افغانستانی برای حضور در مراسم رونمایی و اجرای برنامه زنده دعوت کنیم.

بازیگران «شب دشنه‌های بلند» مشخص شد

کارگردان نمایش «شب دشنه های بلند» با اشاره به مشخص شدن تعدادی از بازیگران این نمایش که قرارست تابستان سال جاری اجرا شود، این اثر را ادای دین به نمایشنامه نویسان ایرانی دانست.

علی شمس درباره زمان شروع تمرین و عوامل اجرایی نمایش «شب دشنه های بلند» که قرار است مرداد و شهریورماه سال جاری در تئاتر مستقل تهران روی صحنه برود گفت: تاکنون تعدادی از بازیگران نمایش «شب دشنه های بلند» همچون مرضیه وفامهر، وحید آقاپور، سام کبودوند، فرزین محدث و رامین سیاردشتی مشخص شده است و به زودی ۲ بازیگر دیگر نیز به گروه می پیوندند.

وی ادامه داد: در تولید اجرای نمایش «شب دشنه های بلند» ثمین سالک به عنوان طراح گریم، مقدی شاه میریان به عنوان طراح لباس، علی کوزه گر به عنوان طراح نور، بابک کریمی طارمی به عنوان طراح صحنه و نشاط پورفراهانی به عنوان تهیه کننده حضور دارند.

درد دل‌های یک جراح قلب با بوم نقاشی

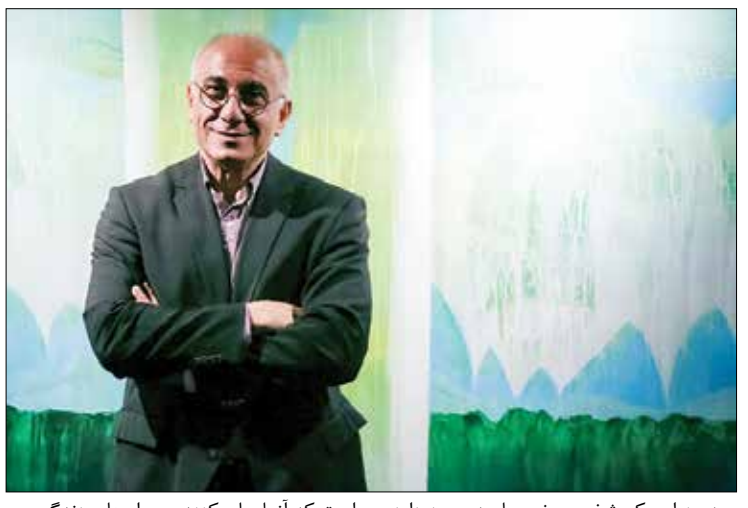

سرویس هنری - نمایشگاه نقاشی‌های پروفسور هرمز مِهمنش با نام «سایه خاموشی» ۲۲ اردیبهشت ماه در گالری ایوان افتتاح شد.

به گزارش امتیاز؛ هرمز مِهمنش در نخستین نمایشگاه خود بیش از ۲۰ تابلوی نقاشی را که با تکنیک اکریلیک و ترکیب مواد خلق شده‌اند به نمایش گذاشته است. این جراح قلب مشهور بر روی بوم‌های بزرگ خود به نمایش تصاویر مختلفی پرداخته است که هر کدام دارای ویژگی‌های مفهومی خاص خود است. آثار مهمنش سرشار از خاطرات، پرسش‌ها، دل‌مشغولی‌ها و خواب‌هایش هستند و بنابراین عجیب نیست که در هر کدام از آنها فیگور انسان، پرندگان گوناگون، و حتی ترکیب‌های هندسی دیده شود. آثار مهمنش با توجه به موضوع و شیوه بیانی آنها تقسیم‌بندی شده و در طبقات مختلف گالری ایوان به نمایش درآمده است. در طبقه‌ای نقاشی‌های رنگارنگ و پر انرژی دیده می‌شود و در طبقه دیگر آثاری محصور در خاکستری و تلخی.

هرمز مهمنش در مورد آثار این نمایشگاه گفت: کار اصلی من چیز دیگری است اما چند سالی هست که نقاشی می‌کنم و این کار امکانی را برای من فراهم می‌کند تا حرف‌هایی را که نمی‌توان به راحتی مطرح کرد بیان کنم. با توجه به فشارهایی که در شغل من به عنوان یک جراح و به عنوان یک شخص عضو جامعه وجود دارد، نقاشی کردن وسیله‌ای است که بتوانم با بوم درد دل کرده و خود را تخلیه کنم. در واقع این کارها به نوعی روزنگار احساسی من هستند.

مهمنش ادامه داد: من به سبک و تکنیک عقیده ندارم و فکر می‌کنم این جریان‌ها اختراع افرادی است که با کار هنری تجارت می‌کنند. اما فکر می‌کنم آنچه هنرمند می‌بیند و قصد بیان آن را دارد تعیین کننده شیوه کار او است. بنابراین آنچه در کارهای من اهمیت دارد این است که آنها بیان کننده بحران‌های زندگی من در مقاطع خاص یا گفتمان درونی من هستند. وجه مشترک این آثار نیز سوال‌هایی است که در زندگی دارم یا صحنه‌هایی که در کودکی دیده‌ام و حالا در روان من بازنگری شده‌اند.

بهنام کامرانی، نقاش و استاد دانشگاه که انتخاب آثار این مجموعه را برعهده داشته است نیز گفت: در دیداری که با هرمز مهمنش داشتم از دیدن نقاشی‌های او بسیار شگفت‌زده شدم چون ایشان تعداد زیادی کار داشتند و خیلی با عطش و شورانگیز به نقاشی می‌پرداختند. با اینکه او نخبه جراحی قلب است و آموزشی در زمینه نقاشی ندیده، ولی خیلی متنوع و جذاب نقاشی می‌کند. وقتی آثار او را دیدم برگزاری این نمایشگاه برای من خیلی جالب شد و از میان کارهایش آثاری را بیشتر بر اساس موضوع انتخاب کردم. سعی کردم انتخاب به شکلی باشد که در نخستین نمایشگاه معرفی درستی از ایشان انجام گیرد. با توجه به معماری خاص گالری ایوان توانستم چیدمان موضوعی برای کارها انجام دهم و خوشحالم که تابلوها به خوبی در فضا قرار گرفته است.

گفتنی است گالری ایوان تمامی فروش کاتالوگ و سود حاصل از فروش آثار این نمایشگاه را به موسسه خیریه رفاه کودک و نوجوان ارومیه اهدا می‌کند. گالری ایوان در نمایشگاه‌های قبلی سهم خود از فروش آثار هنری را به خیریه‌های محک، ماموت، نیکان، کمک، دهش‌پور، انجمن حمایت از کودکان کار، انجمن تالاسمی و مجتمع آموزشی نیکوکاری رعد اهدا کرده بود. نمایشگاه» سایه خاموشی» تا پنج خرداد ۱۳۹۶در گالری ایوان به آدرس الهیه، خیابان مهدیه، خیابان جبهه، کوچه لسانی، بن‌بست حمید، شماره یک برقرار است و علاقه‌مندان می‌توانند هر روز به جز شنبه‌ها از ساعت ۱۶ تا ۲۰ از این آثار دیدن کنند.

هنرمندان سمپوزیوم مجسمه سازی تهران:

هر حجمی مجسمه نیست

هنرمندان حاضر در هشتمین سمپوزیوم بین المللی مجسمه سازی تهران معتقد هستند حضور در سمپوزیوم برای آنها فرصت یک چالش سخت در عرصه مجسمه سازی است و به همین دلیل از آن استقبال می کنند.

هشتمین سمپوزیوم بین المللی مجسمه سازی تهران این روزها رو به پایان است. حالا دیگر با احتساب بخش دانشجویی ۲۹ مجسمه با سنگ آماده گذراندن مرحله آخر آماده سازی برای نصب در پایتخت هستند.

کلائوس هونزیکر هنرمند آلمانی در گفتگو با خبرنگار مهر درباره اثرش توضیح داد: برای من کار کردن روی سنگ بسیار کار ساده ای است و هر محتوا و فرمی را می توانم با سنگ در بیاورم. دوست دارم این فرمی را که امسال در این سمپوزیوم اجرا کردم با آهن نیز کار کنم ولی کار با آهن قابلیت هایی کار با سنگ را ندارد.

وی ادامه داد: من یک سری کار دارم که هر کدام تکمیل کننده قبلی است. در این اثر هم روی رهایی انسان از ذهنیت خودش کار کردم؛ ذهنیتی که می تواند برای اش شبیه قفس شود. در واقع انسان هم بال پرواز و رشد دارد و هم برای خودش قفس می سازد. من هر دوی این ها را در قالب یک فرم واحد نشان دادم. من خودم هم درگیر این موضوع هستم و فکر کنم بشریت درگیر این موضوع باشد.

هونزیکر درباره اینکه چقدر غیر از حضور در سمپوزیوم در برپایی نمایشگاه انفرادی و ساخت مجسمه های کوچک و هنری فعال است، گفت: برای من بودن مداوم در فضای حرفه ای جذاب است و نمایشگاه هم به صورت دائم برپا می کنم اما چیزی که حضور در سمپوزیوم ها را برایم جذاب می کند این است که برای هر مجسمه ساز ساخت مجسمه بزرگ خیلی هزینه بر است و امکانات بالا می خواهد و ابزار این کار در سمپوزیوم ها مهیاست. من فکر می کنم کار در این ابعاد بزرگ غایت هنری است.

والرین جیکا هنرمند گرجستانی که در دانشگاه های گرجستان استاد دانشگاه است اما حرف های جدی تری در زمینه آموزش مجسمه سازی داشت. او ابتدا درباره ایده اش به خبرنگار مهر گفت: برای من همیشه انتقال انرژی مثبت مهم است. با همین دید اثرم را خلق کردم. دوست دارم مخاطب اثرم بداند بعد از هر تلاطمی که عنوان اثرم را گذاشتم همیشه یک رشدی وجود دارد. من بیش از ۱۰۰ اتود زدم تا به این فرم رسیدم. می خواستم بگویم هیچ چیزی منفی مطلق نیست و همیشه باید مثبت فکر کرد.

وی درباره مجسمه سازی و پیشرفت اش در گرجستان بیان کرد: گرجستان بین اروپا و آسیا قرار دارد. در اروپا یک فکر منطقی نهادینه شده است اما در آسیا فضای فیلسوفانه و شاعرانه ای وجود دارد. ما خواسته ایم هر دوی این تفکر را با هم تلفیق کنیم.

وی ادامه داد: من زمانی که خودم درس می خواندم واقعا شرایط برایم سخت بود و امکانات خیلی کم بود. بعدها شروع کردم به آموزش دادن مجسمه سازی به دبستانی ها. این بخش تدریس در کل عمرم برایم از همه مراحل دیگر جذاب تر بود. در بچه ها یک نگاه متفاوتی وجود دارد که سعی کردم امروز هم که در دانشگاه درس می دهم همین نگاه را در ذهن داشته باشم.

جیکا با بیان اینکه من بعدها در کالج درس دادم و امروز در دانشگاه هم طراحی تدریس می کنم هم مجسمه سازی، افزود: در دانشگاه دیگر فکر بچه ها شکل گرفته است اما هنوز هم اگر در کلاس ۱۰ دانشجو باشد به آنها به ۱۰ روش متفاوت درس می دهم. مهم این است که استاد بداند ذهنیت دانشجو بیشتر استعداد چه چیزی را دارد و روی همان کار کند. بخش مهمی از هنر مجسمه سازی طراحی است و سعی می کنم روی این موضوع تاکید کنم و البته مجسمه سازی از سوی دیگر حتما پشتوانه تئوری می خواهد.

استوی درباره نحوه آموزش مجسمه سازی در دانشگاه های کشور گرجستان، گفت: در دانشگاه های گرجستان سعی می شود همه متریال های ممکن در اختیار دانشجوها گذاشته شود و با هر متریالی کار کنند. ضمن اینکه به آنها آموزش داده می شود که ساختن هر اثر با متریال چوب یا آهن و... لزوما یک اثر را مجسمه نمی کند و ممکن است صرفا یک فرم دکوراتیو خلق شود، آنچه مهم است ایجاد مفهوم در اثر است. شما اگر یک کره را ساختید صرفا یک فرم هندسی است اما اگر در همان کره کسی فضای مثبت و منفی برای ایجاد یک مفهوم ایجاد کند یعنی اثرش را به مجسمه تبدیل کرده است.

این هنرمند مجسمه ساز در پایان درباره اینکه مایل است اثرش در کجای شهر نصب شود نیز بیان کرد: به نظرم بیش از هر چیز ارتباط مجسمه با شهر مهم است و برای همین برایم فرق ندارد اثرم کنار بزرگراه باشد یا در پارک بلکه مهم است چگونه با معماری آنجا ارتباط برقرار می کند. اما دوست دارم در کنار اثرم فضای سبز هم دیده شود و یک جای شلوغ نباشد، بلکه جایی نصب شود که کمی سکوت در جریان باشد.

بیژن غنچه پور هنرمند ایرانی که روی سردیس سهروردی در این سمپوزیوم کار کرده است نیز درباره اینکه چه شد در سمپوزیومی که اکثر کارها تجریدی است روی ساخت سردیس

کار کرده است، گفت: این سردیس دو متر و نیم ارتفاع دارد. من کلا به کار فیگوراتیو علاقه دارم و روی سنگ کمتر کار فیگوراتیو کرده بودم و اینجا برایم فرصت این چالش ایجاد شد.

وی درباره سمپوزیوم مجسمه سازی تهران نیز بیان کرد: به نظرم هر دوره نسبت به دوره قبل این سمپوزیوم پیشرفت دارد و تعداد هنرمندان بیشتری در آن کار می کنند. کار روی سنگ در دهه های اخیر روش مهجوری در ایران بود اما حالا تعداد هنرمندانی که می توانند با این متریال کار کنند بسیار زیاد شده است. این در حالی است که ما سرزمین سنگ هستیم و کار سنگ در کشور ما پیشینه ای بسیار طولانی و آمیخته با معماری داشته است.

غنچه پور درباره اینکه آیا کار فیگوراتیو روی سنگ دشوارتر از کار تجریدی است، اظهار کرد: کار فیگوراتیو از این جهت سخت است که مناسبات و ریاضیات پیچیده تری می طلبد اما کار انتزاعی هم پیچیدگی های خود را دارد هر چند ماهیتش ساده به نظر می رسد.

وی درباره جانمایی اثرش در شهر نیز بیان کرد: دوست دارم در خیابان سهرودی نصب شود اما منوط به اینکه جایی نصب شود که کار در یک زاویه مناسب قرار بگیرد و دیده شود.

این مجسمه ساز درباره فضای مجسمه سازی در کشور نیز گفت: طبیعتا هرجا هنر مجسمه سازی پیشرفت کرده از حمایت برخوردار بوده است. الان سازمان زیباسازی شهرداری دارد این کار را می کند و نهاد مادر در حمایت از این قضیه است. حضور ارشاد در فضای حمایتی مجسمه سازی در طی این سال ها بسیار کمرنگ بوده است. الان با حمایت های زیباسازی شما می بینید نسبت به ۱۵ سال پیش هنرمندان این عرصه کمتر آسیب پذیر شده اند. هر چند همچنان این رشته در کشور ما رشته آسیب پذیر و با پشتوانه کمتری است.

یک فنجان چای داغ

پاسخ رییس‌جمهوری مکزیک به دی‌کاپریو

به داد «واکیتاها» می‌رسیم

پیام توییتری دی کاپریو بازیگر مشهور برای نجات یک گونه دریایی، رییس جمهوری مکزیک را به واکنش واداشت.

دی کاپریو در تاریخ ۱۰ ماه می ۲۰۱۷ در توییتر نوشت: «واکیتا» (گرازماهی کالیفرنیا) یکی از در معرض خطرترین پستانداران دریایی جهان است. وی افزود: این گونه آبزی را تنها می‌توان در سواحل مکزیک و خلیج کالیفرنیا پیدا کرد. او از مردم خواست تا به وی و بنیاد «حیات وحش جهانی» ملحق شوند تا بتوان دست به حفظ این گونه زیستی زد.هر چند شاید این گفته دی‌کاپریو تنها به عنوان یک توییت محسوب شود اما او یکی از بزرگ‌ترین فعالان محیط زیست در جهان است و این توییت بازتابی جهانی یافت.دی کاپریو همان روز در توییتی دیگر اشاره کرد که این حیوانات کوچک آبی در تورهای ماهیگیری گیر می‌کنند و همین موجب کاهش چشمگیر تعداد آنها شده است.گفته می شود تنها ۳۰ عدد از این حیوانات در خلیج کالیفرنیا باقی مانده که در مقایسه با سال ۲۰۱۱ به معنی کاهش ۹۰ درصدی است. گفته می شود به همین دلیل عکس‌های نادری از این حیوان وجود دارد.یکی از دلایل اصلی کاهش این حیوان علاقه وافر چینی‌ها به ماهی توتوابا است که تنها در خلیج کالیفرنیا زندگی می‌کند و ماهیگیران مکزیکی برای شکار این ماهی، معمولا واکیتاها را گرفتار می‌کنند.دی کاپریو با ارتباط با «بنیاد حیات وحش جهانی» از انریکه پنا رییس جمهوری مکزیک خواسته است برای حفاظت این گونه کمیاب وارد عمل شود. از جمله مواردی که از رییس جمهوری مکزیک خواسته شده این است که مانع ماهیگیری غیرقانونی در این منطقه شود.دولت مکزیک تاکنون گام‌هایی برای حفاظت از این گونه دریایی برداشته است. سال ۲۰۱۵ مکزیک یک ممنوعیت دو ساله ماهیگیری با تور را در این منطقه اعمال کرد اما این طرح به درستی و با شدت عمل اجرا نشد و همین عاملی بود که موجب کاهش ادامه دار شمار این حیوانات شد.در حالی که تاریخ این ممنوعیت ماه آوریل ۲۰۱۷ به پایان رسید، اکنون بازیگر اسکاری خواستار وارد عمل شدن رییس جمهوری مکزیک شده است.این درخواست دی کاپریو با پست توییتری رییس جمهوری مکزیک روبه رو شد که با توییتی به آن پاسخ داد.وی در توییتی نوشته است از درخواست دی کاپریو و بنیاد حیات وحش جهانی برای حمایت از این حیوان دریایی حمایت می‌کند.او در شماری توییت‌های پشت سر هم درباره تلاش هایی که برای حفاظت از واتیکاها انجام داده صحبت کرده است.

دی کاپریو ۱۷ میلیون فالوئر در توییتر دارد.

شخصیت‌های «گسل» به دکوری از افغانستان می‌رسند

ادامه تصویربرداری سریال «گسل» به کارگردانی علیرضا بذرافشان در روزهای آینده به لوکیشنی در انتهای بزرگراه همت می رسد که دکوری از یک روستا در افغانستان است. سریال «گسل» این روزها در منزل حاج محمود یکی از شخصیت های سریال ادامه دارد و بازیگران در این صحنه ها مشغول به ایفای نقش هستند.همچنین در چند روز آینده نیز قرار است داستان سریال یک فلاش بک داشته باشد که در این تصاویر داستان به افغانستان مربوط می شود و سام درخشانی و بیژن امکانیان دو بازیگر اصلی این صحنه ها خواهند بود.صحنه های مربوط به افغانستان در این سریال در لوکیشنی که در انتهای بزرگراه همت ساخته شده ضبط و تصویربرداری می شود. در این صحنه ها یک روستا ساخته شده و داستان به صورت فلاش بک در آنجا پیگری می شود.سریال «گسل» (بی نمک) سال گذشته کلید خورد و یک کمدی اجتماعی سیاسی به کارگردانی علیرضا بدرافشان و تهیه کنندگی محسن چگینی است که در ۳۰ قسمت به تولید خواهد رسید. قصه این سریال درباره یک معاون وزیر است و سام درخشانی نقش محافظ این شخصیت سیاسی را بازی می کند که داستان حول محور وی می چرخد. بازیگرانی چون سام درخشانی، بیژن امکانیان، فلور نظری، مهتاج نجومی، محمد فیلی، سامان دارابی، کاوه سماک باشی، طوفان مهردادیان، رامتین خداپناهی، افشین نخعی، ستاره حسینی، نیکی محرابی در این سریال به ایفای نقش می پردازند.

«پلاسکو» به زودی ساخته می‌شود

مصطفی کیایی با اشاره به اینکه سریال «لیلای من» را نیمه دوم سال جلوی دوربین می برد، از ساخت فیلم سینمایی «پلاسکو» خبر داد که در آن به آتش گرفتن ساختمان پلاسکو پرداخته می‌شود.

مصطفی کیایی کارگردان و تهیه کننده سینما با اشاره به اینکه مقدمات ساخت سریال شبکه نمایش خانگی «لیلای من» در حال آماده شدن است، گفت: در تلاش هستیم تا منابع مالی این پروژه شبکه نمایش خانگی را تامین کنیم و امیدوارم در صورتی که همه برنامه ها به خوبی پیش برود، این سریال را ۶ ماه دوم سال جلوی دوربین ببریم.

وی ادامه داد: «لیلای من» یک سریال ملودرام و بسیار پرتعلیق و پرکشش است که می تواند در جذب مخاطب در شبکه نمایش خانگی موفق باشد. کارگردان فیلم سینمایی «بارکد» توضیح داد: فکر می کنم همیشه قصه می تواند حرف اول را در جذب مخاطب داشته باشد، اگر قصه بتواند با مردم ارتباط برقرار کند، مردم نیز حاضر هستند تا هفته به هفته منتظر دیدن قسمت های جدید یک سریال در شبکه نمایش خانگی باشند.وی تاکید کرد: ما در کشور سریال های موفقی داشتیم که توانسته بود مخاطبان خود را جذب کند به عنوان مثال سریالی مانند «شهرزاد» به کارگردانی حسن فتحی جزو سریال های موق در شبکه نمایش خانگی بود. فکر می کنم یکی از دلایل موفقیت این سریال نوع روایت، شخصیت ها و داستان هایی بود که برای مردم جذاب شده بود. کارگردان فیلم سینمایی «خط ویژه» ادامه داد: فکر می کنم هر اثری که قصه خوبی داشته باشد می تواند به راحتی با مردم ارتباط برقرار کند.وی درباره «لیلای من» بیان کرد: مدل داستان این سریال به گونه ای است که می تواند چند فصل ادامه داشته باشد، اما ما در حال حاضر برای ۳۰ قسمت این سریال را طراحی کرده ایم.

کیایی در پایان با اشاره به اینکه قبل از ساخت این سریال یک فیلم سینمایی جلوی دوربین می برد، گفت: نام این فیلم سینمایی «پلاسکو» است که واقعه پلاسکو در دل این داستان قرار دارد و فیلمنامه این اثر تا یک ماه دیگر آماده می شود.

درباره «پرسونال شاپر/خریدار شخصی» اولیویه آسایاس و «الاید/متفقین» رابرت زمه‌کیس

پویان عسگری

«پرسونال شاپر/ خریدار شخصی» اولیویه آسایاس: آخرین فیلم اولیویه آسایاس با نام «پرسونال شاپر» چگونه فیلمی است؟ اگر بخواهیم به سیاق منتقدان درگیر انگاره‌های پیرامون نقد «فیلم آمریکایی/فیلم اروپایی» پاسخ دهیم، باید ابرویی بالا بیاندازیم و با گرفتن قیافه‌ای یبس به خود، فغان برآریم که آسایاس از دست رفته و کجاست آن فیلمساز خلاق سال‌های گذشته؟ اما «پرسونال شاپر» تمام این خرافه‌های سطحی و شابلون‌های قراردادی ناقص پیرامون این دوگانه را به چالش می‌کشد و در جایی تازه از تلفیق و میکس ایده‌های فیلم آمریکایی (ژانر) با ظاهر و جهان فیلم اروپایی قرار می‌گیرد. حاصل یک ذهن باسلیقه و تربیت شده «سینه‌فیلی» که بی‌اعتنا به استانداردهای نازل‌پسند فیلم هنری در هزاره سوم، یک جهان فیلمیک ویژه و آبستره به معنای واقعی کلمه بنا می‌کند. بنا بر همین تعریف، مخاطبان «پرسونال شاپر» نه منتقدان قراردادی که «خوره فیلم»های مسلط به انواع فیلم هستند. جایی که «قصه ارواح» به سیاق داستان‌ها و فیلم‌های «گوتیک» در دل یک ملودرام خویشاوندی، لحظه به لحظه، به تدریج و با طمانینه، خود را بیشتر نمایان می‌کند و در اضطراب و تشویشی که لازمه‌ی یک «تریلر جنایی» است، تماشاگر را انتها در مرز بین پذیرش دو شکل فیلم قرار می‌دهد. آیا این یک ملودرام خانوادگی «گوتیک» است یا یک تریلر جنایی که از نمایش عامل هراس طفره می‌رود؟ و راز و رمز «پرسونال شاپر» از همین‌جا است که آغاز می‌شود. در پذیرفتن هر دو «گونه» و نمایش فیزیک رنجور از زاویه دید یک روح. انگار که این فیلم «غریب» را یک روح معذب، یک فیزیک در آرزوی ورود به جهان «مردگان» کارگردانی کرده. زوایا و حرکات دوربین و تدوین غیرعادی فیلم، این احساس را بوجود می‌آورد و کریستن استوارت با نقش‌آفرینی خارق‌العاده‌اش آن را تشدید و موکد می‌کند. تجسم فیزیک برادر مرده در اواخر فیلم، در میزانسن حیرت‌انگیزی که کارگردان، پشت خواهر او (کریستن استوارت) رقم می‌زند، پاداش مسیری استثنایی است که آسایاس از ابتدای فیلم پیموده. یک «سفر» رازآلود که در این لحظه غیرمنتظره بدل به «جادو» می‌شود. یک «لحظه/حس» غریب و بی‌نهایت خاص، که شاهکار «پرسونال شاپر» را تا ابد در ذهن «خوره فیلم» نشان‌دار و برجسته می‌کند. فیلمی «ویرد» که روحیه و ظاهر ملودرام‌ش، جنون و مغاک و افسون جهانش را درونی و رازآلودتر کرده است. فیلمی از درون «بروتال» که لحظه‌ای درنگ و تامل در کانون «احساسی/معنایی»ش تماشاگر را تا ابد دچار یک وسواس، یک نگرانی ذهنی آمیخته با وهم خواهد کرد. یک شاهکار پنج ستاره و از جادویی‌ترین فیلم‌های هزاره سوم که تماشایش مناسب اکثر تماشاگران نیست!

«الاید/متفقین» رابرت زمه‌کیس: آخرین فیلم رابرت زمه‌کیس «الاید/متفقین» را باید دست‌کم گرفته شده‌ترین فیلم سال ۲۰۱۶ بدانیم. مثل تمام آثار زمه‌کیس حاصل مهارت یک فیلمساز چیره‌دست که همچون بزرگترین تکنسین‌های سینمای کلاسیک آمریکا «راه و رسم» سرگرم کردن تماشاگر را خوب بلد است و او را با حسی بیدماندنی، شادی یا اندوهی لایزال در پایان فیلم تنها می‌گذارد. «الاید/متفقین» در ادامه دو فیلم آخر زمه‌کیس «پرواز» و «بندباز» یک فیلم «نئوکلاسیک» دیگر است؛ احضار، بازسازی و احیای مصالح و کلیشه‌های قدیمی هالیوودی در ظاهر و قالبی نو. همان قواعد داستانگویی قدیمی بدون آنکه نیازی به مدرن کردن روایت و اسلوب، یا خودآگاهی به قصد رسیدن به لحن و مودی «پست مدرن» در کار باشد. به همین خاطر تماشای «الاید/متفقین» برای تماشاگرانی که تازه پا به جهان فیلم‌بینی گذاشته‌اند و اسیر و درگیر انگاره‌ها و خرافه‌های نقد فیلم در هزاره سوم هستند، بی‌معنا و معمولی خواهد بود. اما «خوره فیلم» و تماشاگر جدی که با تاریخ سینمای آمریکا و شیوه‌های مرسوم داستانگویی کلاسیک مانوس است، از تماشای فیلم به وجد خواهد آمد. در روزگار دنباله‌های بی‌ثمر و اقتباس‌های خسته‌کننده «کامیک بوکی» در سینمای «جریان اصلی» آمریکا، و تمایل و گرایش مدرن و ضد پیرنگ در «سینمای مستقل»، این میزان ایمان به کلیشه‌های انگار مستعمل اما همیشه تاثیرگذار، حیرت‌انگیز و معنادار است و به تماشاگر بی‌ایمان این زمانه، طبیعت واقعی فیلمسازی و «اینترتینمنت» را متذکر می‌شود. در عین حال «الاید/متفقین» مثل هر فیلم خوب دیگر کارگردان ماهرش، آکنده و لبریز از نیاز و تمنا و تقلای احساسی است. جایی که شاید بیشتر از هر فیلم دیگر زمه‌کیس (در کنار «فارست گامپ» شاهکار و «دورافتاده» خیلی خوب، هر دو با بازی درخشان تام هنکس) او به قلب منجمد شده‌ی تماشاگرش نفوذ کرده و با شوک‌ها و بزنگاه‌های عاطفی داستان، آن را وادار به تپیدن می‌کند. فیلم از آن مرد (برد پیت) است و شاید به همین خاطر شوک پایانی، یکباره و بی‌منطق بنظر برسد. در حالیکه مهمتر از اکت زن (ماریون کوتیار) در انتهای فیلم، تاثیر و طنین عاشقانه‌ی حرکت او است که در خاطر تماشاگر می‌ماند. «تم» اصلی فیلم ورای «عشق و وظیفه» بارها تکرار شده در سینمای آمریکا، از «بدنام» آلفرد هیچکاک تا «خارج از دید» استیون سودربرگ، به فقدان و خلا عاطفی اشاره دارد. داستان مردی که ابتدای فیلم برای انجام یک ماموریت «جنگی» از آسمان به زمین می‌آید و بواسطه تجربه‌ای که در طول فیلم و در نسبت با زن از سر می‌گذراند تا ابد «زمین‌گیر» عاطفه‌اش می‌شود؛ منکوب و مقهور «عشق».

اضافات‌مسعودی

از شربت و هندوانه تا زنجیره انسانی !

گیرکردن پشت ترافیک تجربه سخت و طاقت فرسایی است.مخصوصاً وقتی بدانید ترافیک موجود بخاطر حوادث غیرمترقبه یا سوانح احتمالی خودروها در خیابان نیست و حاصل یک بی ملاحظگی جمعی افرادی است که به بهانه هایی چون جشن و پایکوبی ، انتخابات و دیگر مناسبت ها دور هم جمع شده اند و خیابان ها را بسته اند و اصلاً هم به این فکر نمی کنند که برگزاری جشن و شادی و کمپین هرچقدر هم که خوب و متعالی باشد قرار نیست آسایش مردم و نظم شهر را مختل کند و سبب ایجاد ترافیک و معطل شدن مردم شود . نمونه قدیمی و ملموس این قضیه ،کارناوال های عروسی هستند که با توقف ماشین ها و برپاکردن رقص و پایکوبی یک خیابان را برای دقایقی بند می آورند و بعضاً باعث مشکلاتی می شوند که یکبار حبیب اله کاسه ساز در فیلم کارناوال مرگ به این موضوع پرداخت .

حالا این مساله در شکلی گسترده تر و با تشکیلات منسجم تری به خیابان های ما برگشته و آنهم تشکیل زنجیره های انسانی برای تبلیغات انتخاباتی و حمایت از یک کاندیدا و یا برپایی خیمه ها و برگزاری مراسم جشن و شادی و پخش شربت و شیرینی در وسط خیابان هاست که صدالبته همه این کارها در چهارچوب درست و اصولی خودش خوب و قشنگ است اما اینکه بستر فعالیت های ما کف خیابان های پر ترد شهر باشد و خودمان با دست خودمان سبب ایجاد ترافیک و بی نظمی در خیابان ها شویم کار پسندیده ای نیست و بی احترامی به وقت و زمان مردم است .

اخیراً نیز مشاهده می شود که حتی شربت و شیرینی هم از مد افتاده و در برخی از خیمه های لاکچری برپاشده در سطح شهر هندوانه هم سرو می شود و بعید نیست تا چند وقت دیگر شاهد ارائه چای و قلیان از سوی برگزارکنندگان این جشن ها به مردم باشیم . تا آن روز تلاش کنید که اگر در این برنامه ها یا جشن ها شرکت می کنید نیم نگاهی هم به شلوغ نشدن خیابان ها و رعایت حقوق سایر مردم داشته باشید .

« مسعود عطری »